

بازپیش آذربایجانی که میتوانست

پایه این پیشگفتاری قدرت ایستاد و پس از ۱۰۰۰ سال برآورده بود

میرزا کوچک خان را بنویسید که همانجا نداشت

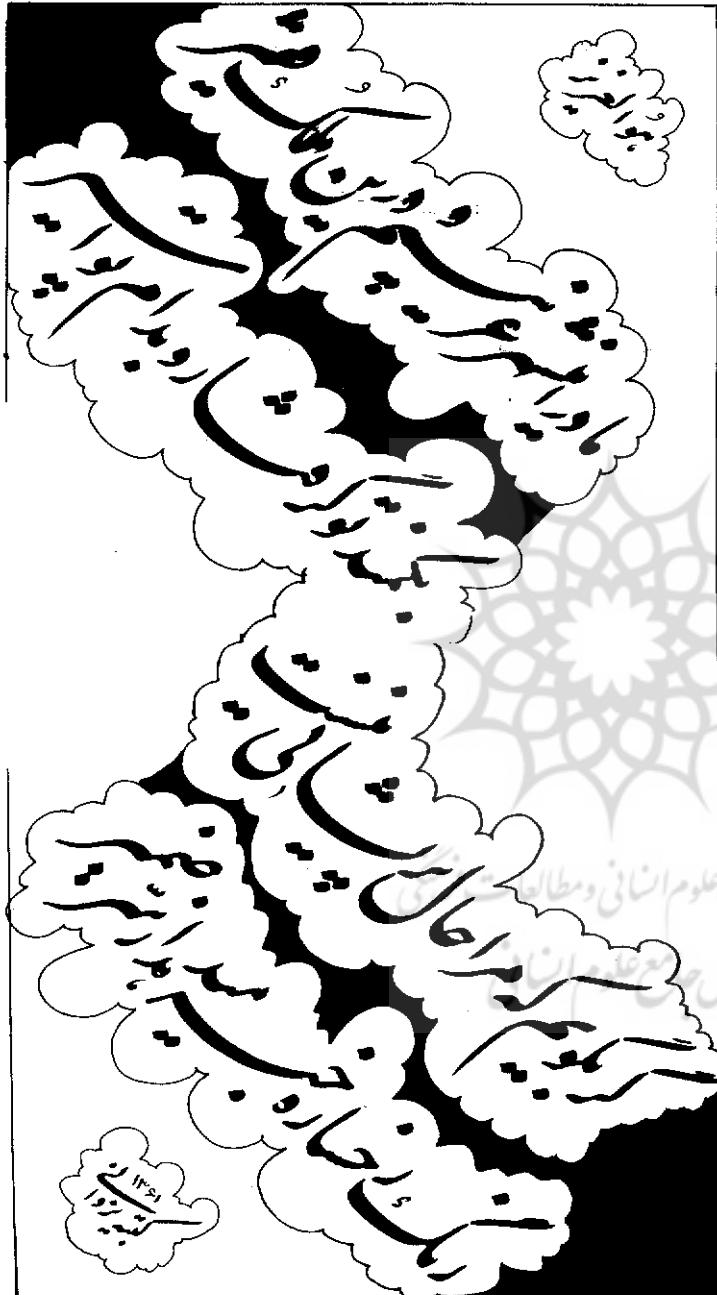
لشکر

لشکر

لشکر



هم چنین در حالت حاضر اقدام به چاپ پیش از ۱۰۰ صفحه از کتاب شمع جمع یا منتخب الخطوط که در



برگیرنده اشعار برخی از شاعران ایران به نگارش استاد می باشد شده است یادش گرامی باد.

جامعه خط ایران بار دیگر در سوک نشست— در سوک از دست رفتن مردی ازین تبار— از تبار آنانی که می مانند و نامشان هرگز از یاد نمی رود— گرچه جسم خاکیشان در خاک شود

استاد سیف الله یزدانی— در سال ۱۳۰۷ در دامغان زاده و در خانواده‌ای رحمتکش و مذهبی پرورده شد تعلیمات و آموخته‌های روزمره و ابتدائی، که توان با تعالیم مذهبی بود— استاد را در دوره خطاطی و خوشنویسی انگیزه‌ای برای پرداختن به نگارش احادیث و کلام الله مجید می شود— چنانکه دو سال آخر عمر خویش را وقف این امر می نماید و قرآن را با خط نستعلیق به ابعاد 35×50 می نگارد استاد بارها در این مورد گفته بود: (نوشتن قرآن با این خصوصیات، لذت و سعادتیست که همه کس را نصیب نمی شود). او اغلب، هنگام نگارش قرآن مجید— آیات آنرا با آوا و صوت دلنشیش تلاوت می کرد و فضای کارش را حالتی روحانی می بخشید.

استاد یزدانی که پرورده مکتب استادی چون علی اکبر کاوه بود و از استادی دیگری چون سید حسین و سید حسن میرخانی نیز مشق نظری نموده است از نوادر خوش نویسانی محسوب می شود که قادر به نوشتن خط از ریز تا درشت بود و این در حالی است که هر خوش نویسی، تبحر خاصی در نوعی از قلم دارد— او پس از طی مراحل مختلف، موفق به اخذ درجه استادی خط نستعلیق از انجمن خوشنویسان می گردد و تا پایان عمر نیز آموزش این هنر را در انجمن به عهده می گیرد.

از فعالیت‌های دیگر استاد یزدانی می توان از موارد زیر نام برد: نگارش غزلیات حافظ (سه مرتبه و هر مرتبه حدود ۴۵۰ صفحه)، کتابت کتاب ترمیم ایران در سال ۱۳۵۶، خطاطی زیرنویس و عنوانی شاهنامه باستانی، کتابت چندین دوره از کتب مختلف درسی (وزات آموزش و پژوهش)— کتابت کتابهای درسی افغانستان به خط نسخ و نستعلیق در حدود ۳۰ جلد و تحریر ۱۴ جزء قرآن مجید به خط نسخ و نگارش قرآن کریم،... (هفت سوره‌ای، جیبی دوباره خط نسخ).

وَمِنْكُلَّ سَمْنَةِ أَنِّينٍ ٢٧ **وَطَنَّ أَنْتَهَا الْفَرَارِشُ** ٢٨ **وَالْفَقَتِ السَّانِي بِإِلَاشَانِ** ٢٩ **إِلَى تِرْكِ يُوسْتَشِنْ أَسْبَاقِ** ٣٠ **فَلَا صَدَقَ**
كُوكِنْ كِبَتْ كَلَّ بَعَادَ وَجِيلَزِوكِلَّ ٣١ **وَبِجَاهِ دِينِنْ هِلَّافَاتْ زِيلِنِكَلَّ** ٣٢
وَلَا صَلَّى ٣٣ **وَكُونْ لَذَبْ قَوَالِيٌّ** ٣٤ **كُونْ وَسَبَتْ إِلَيْ أَكْلِيَنْ مَعَكَلِيٌّ** ٣٥ **أَوْنِي لَكَتْ فَوَالِيٌّ** ٣٦ **فُونْ آوْنِي لَكَتْ فَالِيٌّ** ٣٧
أَنْجَحَتْ بِالْأَنْسَانِ آنْ بِهِ شَرِكْ سَدَمِيٌّ ٣٨ **آلَمِ كِيكْ لَطَفَشْ مَرِنْ مَيِّي مَيِّنِيٌّ** ٣٩ **آلَمِ كِيكْ لَطَفَشْ مَرِنْ مَيِّي مَيِّنِيٌّ** ٤٠ **أَنْجَحَتْ جَوَهْرَهْ شَرِكْ سَدَمِيٌّ**
وَالْأَسِيٌّ ٤١ **آلَمِنْ فَلَكَتْ يَلَارِيَلَّيْيِيْنْ آنْ رَجَسِيَّيِيْنْ التَّوَوِيِيٌّ** ٤٢

پند آورده، آنچه در کلیه سنت جگت دارکلله و آنچه آنست زنده، پارتو میان این سنت نموده که ۱۱۵
 آنچه در سه سوی این سنت جگت دارکلله و آنچه آنست زنده، کیا در دول نهاده آنست بوده، پارتو این سنت داشته، آنکه از دست نهاده
نَسْرَ اللَّهِ أَلْحَمَنَ الرَّحْمَنَ
 نام خواهد داشت زنده عربان

لَلَّهُمَّ إِنِّي عَلَى الْأَنْسَانِ صَبَرْتُ ٤٣ **أَمْ كِونْ كِيَشَمْ كَوَراً** ٤٤ **إِنْ لَطْفَشَيْيَهْ آمَشْ بَهْلِيكْ تَحْكَمْ وَسَعَابِصِيرَ** ٤٥
 یاد باید این نهاده باز نگذاشت، یعنی قنی از دلکار، کوئی بر سیری نموده که امانت آن ایستاده باشند و آنچه بخوبی میباشد که بسیار
لَمْ يَهْسِنْ إِلَيْهِ إِسَهِيٌّ ٤٦ **لَمْ يَشَكِّرْ إِلَيْهِ كَوَورَاً** ٤٧ **إِنْ أَمَّا عَمَدَهْ لِلَّكَافِ فَرِينْ سَلَاسِلَنْ آغْلَالَ وَسَعِيرَ** ٤٨ **إِنْ الْأَبْرَارُ هَرَسْرُونَ مِنْ كَاهِسَ كَانَ**
 پنجه چشم ای ای هر سیزدهم روز میباشد که این ایستاده باشند و سرمه باشند و بین ایستاده هر سیزدهم روز
مُرَاجِهَا كَوَرَاً ٤٩ **عِينَا يَرْسِبْ بِهِ عَيَادَةَ اللَّهِ لِعْضَوْ وَهَمَا تَفَجِّرَا** ٥٠ **يُوْقُنْ بِالْمَذَرَوَجَيَّهْ يَوْمَا كَانَ شَرَوْتَ تَطَرَّاً** ٥١ **وَلِطِيمَونَ**
 نشسته نموده که این بیان میباشد که ای ایستاده باشند و سرمه باشند و بین ایستاده هر سیزدهم روز
عَيْوَسَ كَاهَرِرَا ٥٢ **كُوفِيدُ الدَّشْرَكَ الدَّيْوُمَ وَقِيمَمَ كَاهَرَهَ وَسَرَوَرَا** ٥٣ **وَبَرَاهَمَ يَمَا كَبَسَرْ وَأَجَنَّهَ وَحَرِيرَا** ٥٤ **شَكْشِنْ فِحَيَا**
 پنجه چشم ای هر سیزدهم روز میباشد که این ایستاده باشند و سرمه باشند و بین ایستاده هر سیزدهم روز
عَلَى الْأَرَادِكَ ٥٥ **لَأَيْرَوَنْ فِهِيَشِيٌّ إِلَازَهَمْهَرَا** ٥٦ **وَدَانِيَهَهَمْ طَلَالَا وَلَيَكَتْ قَطْوَمَا مدَنِيلَا** ٥٧ **وَلِطَافُ عَلَّهَمَهَهَمْ**
 نشسته نموده، و آنچه ایستاده باشند پنجه چشم ای هر سیزدهم روز میباشد، داده شن ای هر سیزدهم روز میباشد، یاد باید این
رَيْنَ فَصَيَّهْ وَأَكْوَابَ كَاسِتَ قَوَارِيٌّ ٥٨ **وَأَرْسِمَنَ فَصَيَّهْ قَهْرَوَهَلَّهَرِيٌّ** ٥٩ **وَيَقْوَنَ فِهِيَهَا كَامَا كَانَ هَرَاجِهَا زَشْجِيَلَا** ٦٠
 نشسته نموده، که که ای هر سیزدهم روز میباشد، و آنچه ایستاده باشند پنجه چشم ای هر سیزدهم روز
قَهِنَا فِهِيَشِيِيَسِيلَا ٦١ **وَلِطَوفُ عَيْلَمَ وَلَدَانَ كَهَلَدَونَ رَوَارَأَهَمْهَمْ** ٦٢ **جَيْبُهَمْ وَفَوَأَهَمْهَمْ** ٦٣ **وَرَأَهَيَهَمْ** ٦٤ **وَرَأَهَيَهَمْ** ٦٥ **رَأَيَتْ كِمْ** ٦٦ **رَأَيَتْ كِمْ** ٦٧

نشسته نموده، داده شن ای هر سیزدهم روز میباشد، و آنچه ایستاده باشند پنجه چشم ای هر سیزدهم روز
عَلَى الْأَرَادِكَ ٦٨ **لَأَيْرَوَنْ فِهِيَشِيٌّ إِلَازَهَمْهَرَا** ٦٩ **وَدَانِيَهَهَمْ طَلَالَا وَلَيَكَتْ قَطْوَمَا مدَنِيلَا** ٧٠ **وَلِطَافُ عَلَّهَمَهَهَمْ**
 نشسته نموده، و آنچه ایستاده باشند پنجه چشم ای هر سیزدهم روز میباشد، داده شن ای هر سیزدهم روز میباشد، یاد باید این
رَيْنَ فَصَيَّهْ وَأَكْوَابَ كَاسِتَ قَوَارِيٌّ ٧١ **وَأَرْسِمَنَ فَصَيَّهْ قَهْرَوَهَلَّهَرِيٌّ** ٧٢ **وَيَقْوَنَ فِهِيَهَا كَامَا كَانَ هَرَاجِهَا زَشْجِيَلَا** ٧٣
 نشسته نموده، که که ای هر سیزدهم روز میباشد، و آنچه ایستاده باشند پنجه چشم ای هر سیزدهم روز
قَهِنَا فِهِيَشِيِيَسِيلَا ٧٤ **وَلِطَوفُ عَيْلَمَ وَلَدَانَ كَهَلَدَونَ رَوَارَأَهَمْهَمْ** ٧٥ **جَيْبُهَمْ وَفَوَأَهَمْهَمْ** ٧٦ **وَرَأَهَيَهَمْ** ٧٧ **وَرَأَهَيَهَمْ** ٧٨ **رَأَيَتْ كِمْ** ٧٩ **رَأَيَتْ كِمْ** ٨٠

نشسته نموده، داده شن ای هر سیزدهم روز میباشد، و آنچه ایستاده باشند پنجه چشم ای هر سیزدهم روز
قَهِنَا فِهِيَشِيِيَسِيلَا ٨١ **وَلِطَوفُ عَيْلَمَ وَلَدَانَ كَهَلَدَونَ رَوَارَأَهَمْهَمْ** ٨٢ **جَيْبُهَمْ وَفَوَأَهَمْهَمْ** ٨٣ **وَرَأَهَيَهَمْ** ٨٤ **وَرَأَهَيَهَمْ** ٨٥ **رَأَيَتْ كِمْ** ٨٦ **رَأَيَتْ كِمْ** ٨٧

نواحی عَرَبِ اللَّهِ الصَّارِي

اکن پک تر اش اخ جان راچنده دیوان کنی هست در جهان شخی

فرزند و عیسی اخ خانمان راچنده دیوانه تو هر دو جهان راچنده

ای کنی که بخشندۀ عطای دای حکمی که پوششندۀ خلائی ای صدی که در ذات صفات بینایی ای خالقی که زیبایی ای فایی که
خدای هر شرمند نبایت لایزال خود و بصفات بالا خود و بعزم جمال خود و بطبخت جمال خود که جان با راصف ای خود و دل را بخودی
و چشم را بضمی ای خود و دل را آن و که آن .

ای هی کلی بثت و چشم عازفان خدا است و بوندۀ ترا بهشت چهار است . ای هی که برشت چشم و عین است بی دیدار و در دوست .
ای هی اگر بد فخر فرستی دعوی از نیستم و کی بیشتر فرمائی بی جمال تو خرد از هم بطلوب برادر که جزو صال تو طبلکار استم ای هی که زیان نیست
و زیست میانی هستی شان فایست و از بن باقی . ای هی بایشیت چه سازم و باور چه بازم مرادیده ای ده که از هر نظری ای هی سازم . که
ای هی وزگاری ترا بی محکم خود ای هی ای هم کنون خود را هی جویم و ترا بیا هم . ای هی دلی ده که شوق طاعت افزون کند و همیشی طاعونی
پیشست بهمون کند . ای هی نفسی که حلقة بندگی توکوش کند و جانی ده که زیر هر چیز تو نوش کند . ای هی مدایی که جرمناش ای بربت به
دولی ده که خیزان هم عرب و بیت تو گوید .

ای هی اگر مجرم مسلا نام و اگر کن کار م پیام ، اگر عبا بم خواهی بس و فرامن و اگر حست فرمائی پیش حق آنم ای هی حقی ای هی زیج حاست
رحمت کن ای هک اور ایچ حجت فیت . ای هی در دل با هر چشم محبت خود مکاره بولین جانها بجز اطاف محبت ای بولین کی هشایخ زاران بینی
ای هی بر کرد ای محبت خود نادی خرسن بخود شر رایاد فری داده ای . ای هی همه آن شد محبت تو شراس و همه نعمت ای لطف و داده
ای هی مخلصان محبت تو میانند و عاشقان بیوی تو میانند که ایشان باز که دیگران نشاند ایشان اتو نواز که دیگران فوزان .
ای هی اگر متهم اگر دیوانه هم رضیمان این است پیمانه ای هم شناسی با خود ده که از کنانات پیکانند . ای هی بایشندم ای هی بیشندم
و در دو جهان ای هی بیشندم ای هم پیشندم ای هی در سرخوار تو دایم و در دل اسرار تو دایم و بزبان شنا ای تو دایم . ای هی بیغیون ای هم
دیر بیچارکی خود کو ای هم خواست خواست ای هم پیشندم ای هم . ای هی ای خامم پیشندم ای هم و اگر چند ای هم متوحده مکن .

ای هی اگر که کا پیش نمی خاست ای زیان پی و اگر عرب الله مجرم است ای زد پی